

ویژه

ادعای نقشه تهران برای ترور ترامپ



اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت امور خارجه ادعای مطرح شده مبنی بر مداخله ایران در تلاش برای سسوء قصد به مقام‌های سابق با کنونی آمریکا را کاملاً بی‌اساس و مردود دانست. سخنگوی دستگاه دیپلماسی با اشاره به طرح اتهام‌های مشابه در ادوار گذشته که مودکا از سوی جمهوری اسلامی ایران رد شده و نادرستی آنها نیز اثبات گردیده است، تک‌راز این ادعا در برهه زمانی کنونی را توطئه‌ای مسمم‌زکننده از جانب محافل صهیونیستی و ضد ایرانی برای پیچیده‌تر کردن مسائل فیما بین آمریکا و ایران توصیف کرد. بقایی در عین حال تأکید کرد همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شده است، جمهوری اسلامی ایران برای احقاق حقوق ملت ایران از همه ابزارهای مشروع و حقوقی در سطح داخلی و بین‌المللی استفاده خواهد کرد.

سنار پوی جدید علیه ایران

خبرگزاری آمریکایی آسوشیتدپرس با بیان این ادعا یسه نقل از وزارت دادگستری آمریکا علیه تهران نوشت که یک شکایت جنایی در دادگاه فدرال منتهن در این رابطه ارائه شده است که ادعا می‌کند که «یک مقام ناشناس در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در سپتامبر گذشته از فردی درخواست کرده است تا برنامه ای برای زیر نظر گرفتن و در نهایت کشتن ترامپ تنظیم کند.» آسوشیتدپرس ادعا کرد: بارزسان هنگام مصاحبه با فرهاد شاکری، یک تبعه افغان که از سوی مقامات به عنوان عامل دولت ایران شناخته شده بود و پس از متهم شدن به سرقت از آمریکا اخراج شده بود، از طرح کشتن ترامپ مطلع شدند.

این رسانه آمریکایی در ادامه این اتهام زنی علیه تهران و سپاه مدعی شد: «طبق یک شکایت جنایی در دادگاه فدرال منتهن، او به بارزسان گفت که یک فرد وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در سپتامبر گذشته به او دستور داده بود ظرف هفت روز طرحی برای زیر نظر گرفتن و در نهایت کشتن ترامپ ترتیب دهد. دو مرد دیگر که مقامات می‌گویند برای شرکت در ترورهای دیگر استخدام شده بودند، از جمله یک روزنامه نگار برجسته ایرانی آمریکایی نیز روز جمعه دستگیر شدند. شاکری در ایران حضور دارد.»

استراتژیک

الاهرام برسی کرد

همه منتظر گام بعدی تهران در قبال اسرائیل



«منال لطفی» در روزنامه مصری الاهرام می‌نویسد نواکتنش مقامات ایرانی (به حمله اسرائیل به طرز قابل توجهی سنجنیده و آرام بود. رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان تأکید کرد که ایران «به‌طور مناسب پاسخ خواهد داد» و در عین حال تأکید کرد که تهران «دنبال جنگ نیست، اما از حقوق خود دفاع خواهد کرد.»

از سوی دیگر، معاون رئیس‌جمهور در امور استراتژیک، محمدجواد ظریف، از کشورهای غربی خواست تا «تعهد قاطع» ایران به صلح را به رسمیت بشناسند و این را «فرصتی بی‌نظیر» دانست که «عباید نادیده گرفته شود». روز دوشنبه، سخنگوی وزارت امور خارجه، اسماعیل بقایی، بر پایبندی ایران به مسیرهای دیپلماتیک برای کاهش تنش تأکید داشت، گرچه تأیید کرد که ایران حق پاسخ به حملات اسرائیل را برای خود محفوظ می‌داند.

شاید در یک اقدام معنادار، علی ولایتی، مشاور ارشد آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب ایران، اعلام کرد که تهران در حال «بازنگری» در سیاست خارجی خود برای بهبود روابط با کشورهای غربی است، اگرچه حمایت «بی‌قید و شرط» واشنگتن از اسرائیل را مورد انتقاد قرار داد. تهران قصد دارد با تقویت تاب‌آوری داخلی، ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود، کاهش تنش‌های داخلی و منطقه‌ای و ارائه چشم‌اندازی متضاد با برنامه اسرائیل، آن کارزار را نه صرفاً از طریق ابزارهای نظامی بلکه از روش‌های دیگر به چالش بکشد.

یک سیاستمدار اصلاح‌طلب ایرانی نزدیک به جواد ظریف، معاون راهبردی رئیس‌جمهور ایران، به هفته‌نامه الاهرام گفت: «حملات اخیر اسرائیل، تعهد ایران به تعامل منطقه‌ای و بین‌المللی را تغییر نخواهد داد؛ موضعی که در همه سطوح رهبری ایران، از رهبر معظم تا افکار عمومی، مورد حمایت است. اما این باز بودن به قیمت فدا کردن هم‌پیمانان منطقه‌ای یا نادیده گرفتن حمایت ایران از فلسطین و لبنان نیست. هرچه روابط منطقه‌ای و بین‌المللی ما قوی‌تر باشد، بهتر می‌توانیم دیدگاه خود را دربارۀ آن خطرات وجودی که کشورهای منطقه را تهدید می‌کند، انتقال دهیم. پزشکیان با مأموریتی روشن برای بهبود روابط بین‌المللی ایران، رفع تحریم‌ها و احیای توافق هسته‌ای انتخاب شد.»

هسته‌ای

پیشرفت هسته‌ای ایران از خطای محاسباتی ترامپ

«یوب نصر» در راهبرد معاصر می‌نویسد؛ شاید برخی‌ها بگویند دونالد ترامپ برای ایران سخت‌ترین گزینه است، اما به نظر من وی برای ایران سودمندترین گزینه به شمار می‌رود، زیرا خروج یکجانبه‌اش از توافق هسته‌ای باعث پیشرفت فوق‌العاده جمهوری اسلامی در زمینه پرونده هسته‌ای شد. تردیدی وجود ندارد سیاست خارجی و برنامه‌های راهبردی آمریکا در اختیار رئیس‌جمهور قرار نمی‌گیرد و دلایلش آن است که این کشور محافل نخبگانی، سیاسی و لابی‌های قوی و چند لایه ای دارد که سیاست خارجی واشنگتن را کنترل و برنامه‌های راهبردی اش را تعیین می‌کنند.

از این منظر در نظر نگرفتن نقش لابی‌های دولتی نوعی غفلت به شمار می‌رود که هرگونه تصویرسازی ذهنی را در زمینه آینده سیاسی آمریکا مخدوش می‌کند و نمی‌توان به‌طور قطع گفت کدام نامزد‌ها برای منطقه غرب آسیا و بازیگران اصلی آن بهتر است. در آمریکا ریاست جمهوری کنترل سیاست خارجی را در دست نداد، بلکه همه یا بیشتر آن در دست محافل نخبگانی، سیاستمداران قدرتمند و لابی‌های چند لایه است. این است که شاید برخی‌ها بگویند دونالد ترامپ برای ایران سخت‌ترین گزینه است، اما به نظر من وی برای ایران سودمندترین گزینه به شمار می‌رود، زیرا خروج یکجانبه اش از توافق هسته‌ای باعث پیشرفت فوق‌العاده جمهوری اسلامی در زمینه پرونده هسته‌ای شد. دولت سابق ترامپ همچنین قصد داشت با خروج از توافق هسته‌ای کارت فشاری بر اعراب داشته باشد که آنها را به سمت رژیم صهیونیستی سوق دهد که در این زمینه نیز موفقیتی به دست نیآورد.

بسیاری از کشورهای متحد آمریکا در انتظار بازگشت ترامپ به کاخ سفید هستند، به این امید که وارد جنگ علیه ایران شود، تأسیسات هسته‌ای اش را نابود کند و نظام حاکم بر ایران را تغییر دهد، در حالی که این تصورات غلط است، اگر حاکمیت آمریکا این سناریو را مدنظر داشت یا قادر به انجامش بود، باید این سناریو را همان دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ پیاده سازی و اجرا می‌کرد. با این تفاسیر، ترامپ با خروج از توافق هسته‌ای بیشترین خدمت را به ایران و پرونده هسته‌ای کرد (شاید هم این فرایند خواست محافل نخبگانی و لابی‌های سیاسی قدرتمند واشنگتن بود).

وال استریت ژورنال بررسی کرد

گمانه‌زنی درباره رویکرد ترامپ مقابل ایران



این گروه‌ها اسرائیل و کشورهای منطقه را بی‌ثبات می‌کنند.» دونالد ترامپ که بعنوان چهل و هفتمین رئیس‌جمهور آمریکا بعد از جو بایدن در انتخابات ۵ نوامبر ۲۰۲۴ برگزیده شد، هنگام شرکت در این انتخابات با تکرار ادعاهای ضد ایرانی خود مدعی شد: «من نمی‌خواهم به ایران صدمه بزنم اما آنها نمی‌توانند سلاح هسته‌ای داشته باشند. شرایط من بسیار ساده است. من می‌خواهم آنها یک کشور مستقل باشند اما نباید سلاح هسته‌ای داشته باشند.» ترامپ در دور اول ریاست جمهوری خود سیاست خصمانه فشار حداکتری علیه جمهوری اسلامی ایران را پیش برد و از توافق بین‌المللی هسته‌ای ایران موسوم به برجام که میراث دولت قبلی دموکرات این کشور، باراک اوباما بود، خارج شد.

دولت بایدسن نیز به رغم ادعای در پیش گرفتن مسیر دیپلماسی در قبال تهران، نه تنها نتوانست به برجام بازگردد بلکه همان سیاست‌های فشار حداکثری دولت ترامپ را اجرا کرد. هیچ علقه ای به تغییرر حکومت در ایران ندارد. آینده ایران توسط مردم آن کشور تعیین خواهد شد ما این امر را به صورت مکرر اعلام کرده‌ایم.» این سیاستمدار تندروی جمهوریخواه آمریکایی در راستای اتهام زنی‌های واشگتن علیه نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) ادعا کرد: «ترامپ می‌داند که عامل اصلی بی ثباتی در خاورمیانه در حال حاضر ایران است. ثبات (فارس) امروزه یک منطقه پویا از نظر اقتصادی و فرهنگی است و این ایدئولوژی انقلابی و افراطی که ایران صادر می‌کند، یکی از موانع در منطقه است و ایران به این مسیر ادامه می‌دهد.»

این مقام آمریکایی همچنین در سخنانی علیه گروه‌های مقاومت منطقه و ایستادگی آنان در برابر جنایات و حملات رژیم اشغالگر قدس، بار دیگر از اسرائیل حمایت و ادعا کرد: ترامپ در ریاض اعلام کرد که ایران را به صورت اقتصادی تضعیف خواهد کرد که «این حکومت نتواند از خشونت‌های حوثی‌ها (انصارالله یمن)، حماس، حزب الله و سایر گروه‌ها در عراق و سوریه حمایت کند. همه

را برای پاسخگو کردن او انتخاب کرده است.» میک مارلوی، یکی از مقامات سابق وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) در گفتگو با وال استریت ژورنال ادعا کرد: «اگر ترامپ بخواهد رویکرد خصمانه علیه هر کشوری که دشمن اصلی خود می‌داند، اتخاذ کند، آن کشور ایران است.»

بر اساس این گزارش، انتظار می‌رود برایان هوک، یکی از مقامات سابق وزارت خارجه آمریکا که مسئول سیاست‌های امنیتی ایران است، نقش رهبری در دولت ترامپ داشته باشد.

هوک قبلاً از سیاست «فشار حداکثری» دفاع و ادعا کرده بود که این استراتژی در «کاهش بودجه در دسترس سرویس‌های امنیتی تهران» موفق بوده است.

برایان هوک، نماینده آمریکا در امور ایران در دولت اول دونالد ترامپ که قرار است رهبری انتقال قدرت به وزارت خارجه جدید آمریکا را برعهده داشته باشد، روز پنجشنبه به وقت محلی با تکرار اتهام ترور سردار (قاسم) سلیمانی باید در دادگاه محاکمه و مجازات شود؛ ایران مسیر حقوقی

وزیر امور خارجه در گفت‌وگو با ایشیکل تشریح کرد

شارمهد، یک تروریست آلمانی

وزیر امور خارجه با بیان اینکه علاقه‌مند هستم مقامات و جامعه آلمان این حقیقت را بپذیرند که جمشید شارمهد یک آلمانی تروریست است، با تأکید بر روابط ویژه آلمان و رژیم صهیونیستی تصریح کرد: ۵۰ هزار نفر در غزه توسط رژیم اسرائیل کشته شدند و ما حتی ندیدیم، دولت آلمان یک اطلاعیه محکومیت صادر کند.

سید عباس عراقچی در گفت و گو با روزنامه آلمانی ایشپیکل تصریح کرد: جمشید شارمهد رهبر یک گروه تروریستی بود. این واقعیتی است که دوستان ما در آلمان نادیده می‌گیرند و علاقه ندارند به آن اشاره کنند. وی افزود: شارمهد به

انتخاب خود، مسئول انفجار یک مسجد در شیراز است که در آن چهارده نفر از حمله پنج زن و بچه کشته و بیش از ۲۰۰ تن نیز مجروح شدند. عراقچی ادامه داد: اعترافات شارمهد مربوط به قبل از دستگیری است نه بعد از دستگیری؛ زمانی که ایشان در آمریکا بود در مصاحبه با شبکه‌های تلویزیونی با افتخار از این عمل خود یاد می‌کند و می‌گوید ما با جمهوری اسلامی ایران وارد جنگ شدیم و آنها را می‌کشیم. بنابراین جرم شارمهد به عنوان یک تروریست و قاتل ۱۴ نفر کلاما روشن است. وزیر امور خارجه تصریح کرد: علاقه مند هستم مقامات و جامعه آلمان این حقیقت را بپذیرند. اگر آنها فکر می‌کنند آقای شارمهد یک آلمانی است باید بپذیرند که او یک آلمانی تروریست است. البته از نظر ما ایشان یک فرد ایرانی بود زیرا ما تابعیت مضعف را قبول نداریم. ایشان به عنوان یک ایرانی دستگیر و به ایران منتقل شده است و در یک محاکمه عادلانه براساس قوانین ایران به اعدام محکوم شده است.

این حجم از پروپاگاندای سیاسی علیه ایران قابل درک نیست

عراقچی ادامه داد: من این حجم از سر و صدا و پروپاگاندا سیاسی علیه ایران را درک نمی‌کنم و فکر می‌کنم جامعه آلمان نهنجیده که با چه پدیده‌ای مواجه است. همچنین علت این واکنش‌های شدید را نیز درک نمی‌کنم، یک تروریست به اعدام محکوم شده است. وی تصریح کرد: قبول دارم که اطلاعیه‌ای که دادستانی تهران در این خصوص منتشر کرده، ابهام دارد و در این اطلاع از اعدام صحبتی نشده است. به هر حال فوه قضاییه ایران در این خصوص کار لازم باشد اطلاعات بیشتر را منتشر خواهد کرد. وزیر امور خارجه افزود: اطلاعاتی که داشتیم به مقامات ارائه دادیم و آن که شارمهد در قید حیات نیست. اینکه ایشان مجازات شده است یا به مرگ طبیعی از دنیا رفته یک موضوع فرعی است.

خانواده شارمهد می‌توانند در خواست انتقال جسد دهند

عراقچی تصریح کرد: موضوع اصلی این است که این فرد رهبر یک گروه تروریستی بوده و به جنایات خود اعتراف کرده است. ما با مقامات آلمان در نظر قوانین ایران خانواده مستوفی خانواده ایشان می‌توانند درخواست انتقال جسد را بدهند. در نظر قوانین ایران خانواده مستوفی در مورد محل دفن تصمیم می‌گیرند. اگر خانواده ایشان رسماً درخواست دهند جنازه برای دفن به هر جایی منتقل شود از نظر ما باالمانع است. وی گفت: آنچه که در زمان دستگیری رخ می‌دهد و ممکن است همراه با خشونت توسط پلیس باشد، اسمش شکنجه نیست. من صحنه ای را در آلمان دیدم که پلیس آلمان به یک فرد که فقط روی ماشین پلیس خط انداخته بود، شلیک کرد و او را کشت.

عراقچی ادامه داد: در زمان دستگیری ممکن است اتفاقی بیفتد ولی در طول بازداشت هیچ شکنجه‌ای رخ نداده، جسد ایشان نیز در دسترس است و اگر خانواده ایشان مایل باشند، ما مشکل نداریم که حتی کالبد شکافی صورت گیرد.

اینکه ادعا شود ایشان در زندان شکنجه شده فقط یک ادعاست.

هشدار سفیر ایران در بیروت

مجتبی امانی **سفیر ایران در لبنان در ایکنس نوشت:** **درگیری‌های شهر آملستندبرام هستند؛ این زنگ خطر را می‌تواند برای عقلای اروپا به صدا در آورد که ادامه جنایات وحشیانه رژیم صهیونیستی در غزه و لبنان می‌تواند باعث ناآرامی‌هایی در کشورهای اروپایی شود.** **رژیم صهیونیستی پس از شکست‌های پی در پی در جنگ منطقه‌ای، قصد دارد با گسترش سیاست‌های خشونت‌آمیز نژادپرستانه و بحران‌های سیاسی-امنیتی به اروپا، امنیت این کشورها را با خطر مواجه کند.**

نگه

ایران، کشور استثنائی منطقه

سید علی موسوی خلغالی

ایران با حدود ۸۴ میلیون نفر جمعیت، دومین کشور بزرگ خاورمیانه در یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین نقاط بزرگ دنیا واقع شده است. ایران با جمعیتی نسبتاً جوان و تحصیل کرده، غنی از منابع انرژی و معدنی، برخوردار از امکانات طبیعی و اقلیمی استثنائی، از ظرفیت‌های بالایی برخوردار است که آن را به یکی از کشورهای مهم نه تنها در منطقه بلکه در قاره آسیا و در مجاورت اروپا تبدیل کرده است.

همچنین مجاورت و حضور تمدنی ایران در آسیای میانه و حوزه قفقاز ایران را به کلیدی‌ترین کشور غرب آسیا تبدیل کرده است.

مورری به تاریخ روابط بین‌الملل ایران طی حدود ۱۲۰ سال اخیر نشان می‌دهد که موقعیت ایران و امکانات خدایای آن سبب شده است تا ایران همواره از اهمیتی بالا برای کشورهای قدرتمند جهان برخوردار باشد.

از قرن نوزدهم که کشورهای استعمارگر ایران را یه عنوان یک‌هائل مهم در قدرت‌های رقیب استعماری خود می‌دیدند تا قرن بیستم که در نیمه اول قرن آن دو جنگ بزرگ جهانی را شاهد بود، همواره کشورهای بزرگ جهان اهمیت ایران را درک می‌کردند و برای کنترل یا تسلط یا همراه ساختن آن با خود همواره تلاش کردند. تلاش انگلیس برای عقد قرارداد موسوم به ۱۹۱۹ با ایران در دهه بیستم از قرن گذشته میلادی که البته ناکام ماند، و اشغال ایران توسط قوای متفقین در جنگ جهانی دوم، شاهدهی بر این ادعاست که ایران به عنوان یک کشور استثنائی منطقه‌ای همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است.

در عصر جنگ سرد نیز موقعیت ایران به دلیل مجاورت با اتحاد جماهیر شوروی وقت از یک سو و تبدیل شدن آن به یکی از منابع اصلی انرژی جهان از سوی دیگر سبب شد تا آثار این همواره مورد توجه و حتی منازعات کشورهای غرب و شرق باشد.

حضور ایران در جغرافیایی مهم که از یک سو بیشترین مرز دریایی را در خلیج فارس و دریای عمان به عنوان شریان اصلی تبادل انرژی جهان دارد، مجاورت در حوزه دریای خزر و حوزه مهم قفقاز که جوزف استالین، رهبر شوروی، آن را پهلوی شوروی و اروپا توصیف می‌کرد و همچنین همسایگی با اروپا و آسیای میانه سبب شده است تا ایران کشوری استثنائی و جذاب باشد تا آنجا که هنری کسینجر، متفکر و سیاستمدار آمریکایی آن

را قلب حیات‌بخش خاورمیانه می‌نامد و لرد جورج کرزن، سیاستمدار مشهور انگلیسی آن را حلقه وصل اروپا به آسیا توصیف می‌کند. سیاستمداران غرب و شرق متفق‌القولند که تسلط بر ایران به معنای تسلط و دسترسی به غرب آسیا، آسیای میانه و تأمین بخش مهمی از امنیت اروپاست. انقلاب اسلامی ایران، تحولی شگرف نه تنها در ایران

بلکه در کل معادلات خاورمیانه بوده است. برای نخستین بار گفتگمانی به جهانیان عرضه شد که متفاوت از گفتمان رایج زمانه خود، شرقی یا غربی، بود. گفتگمانی که بر استقلال کشورها تأکید می‌کرد و دفاع از مظلومین جهان را رسالت خود می‌دانست. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران، استقلال و آزادی را شعار اصلی و بالفعل خود قرار داد و همه تلاش خود را به کار بست تا جایگاه خود را بر این اساس تثبیت کند.

اکونومیک

همکاری ایران و هند

در توسعه بندر چابهار

حجت حدیدی

همکاری ایران و هند در توسعه بندر چابهار یکی از پروژه‌های کلیدی در روابط دو کشور است که اهداف اقتصادی و ژئوپلیتیکی گسترده‌ای را دنبال می‌کند. بندر چابهار به عنوان یک نقطه استراتژیک در ساحل جنوبی ایران، نقشی کلیدی در تسهیل تجارت بین‌المللی و کاهش وابستگی هند به مسیرهای ترانزیتی پاکستان دارد. هند و ایران مدت‌هاست که رویکردهای همسو در زمینه توسعه زیرساخت‌های ارتباطی منطقه‌ای دنبال کرده‌اند. اگرچه تبدیل این چشم‌انداز به پروژه‌های عینی فرآیندی زمان‌بر بوده است، اما باید توجه داشت که گذرگاه‌های ارتباطی منطقه‌ای ماهیتی پیچیده دارند و توسعه آنها در هر نقطه از چشم‌انداز نیازمند زمان و سرمایه‌گذاری است. توافق‌نامه‌ای که در سال ۲۰۱۶ به امضا رسید، نخستین گام محسوس در جهت تبدیل چابهار به یک‌کهاب کلیدی اتصال منطقه‌ای بود، که تجلی نمایی مشترک دو کشور در این زمینه محسوب می‌شود. پس از امضای توافق‌نامه، طرف ایرانی قصد بازنگری‌هایی در مفاد آن انجام دهد که سبب پیچیدگی در روند مذاکرات شد. با توجه به زمان‌بر بودن نهایی‌سازی توافق‌نامه بلندمدت، دو کشور در سال ۲۰۱۸ تصمیم گرفتند که بهره‌برداری از بندر را به صورت قراردادهای کوتاه‌مدت سالانه آغاز کنند. در

این دو سال اخیر، مذاکره‌کنندگان از هدایت‌های راهبردی و رهنمودهای روشن از بالاترین سطوح سیاسی دو کشور بهره‌مند شدند؛ به‌ویژه، دو دیدار بین نخست‌وزیر نازندرا مودی و رئیس‌جمهور وقت، آیت‌الله رئیسی، در سمرقند در سپتامبر ۲۰۲۲ و ژنوآلسبورگ در اوت ۲۰۲۳، نقش‌سنجی در تسهیل مسیر امضای قرارداد بلندمدت در اردیبهشت ۱۴۰۳ ایفا کرد. قرارداد ۲۰۲۴ در کل بر محورهای مشابه با توافق‌نامه

۲۰۱۶ استوار است. بر اساس این قرارداد، شرکت دولتی ایندیا پورتن گلوبال لیمیتد (IPGL) مدیریت و تجهیز بندر چابهار را به مدت ۱۰ سال به شیوه‌ای مبتنی بر مدل تقسیم درآمد با دولت ایران برعهده خواهد داشت. در طول این مدت، شرکت IPGL متعهد به سرمایه‌گذاری ۱۲۰ میلیون دلار برای نصب تجهیزات بیشتر در بندر شده است؛ این رقم در قرارداد سال ۲۰۱۶ برابر با ۸۵ میلیون دلار بود. علاوه بر این، هند در سال ۲۰۱۶ تعهد کرده بود ۱۵۰ میلیون دلار برای توسعه زیرساخت‌های مرتبط با بندر چابهار. از جمله اتصال آن به س کرانه ایران، تأمین مالی کنند. اکنون این تعهد مالی به حداقل ۲۵۰ میلیون دلار افزایش یافته است. همچنین تفاوت‌هایی در جزئیات فنی بین هسر دو قرارداد وجود دارد، اما روح کلی قرارداد ۲۰۲۴ مشابه توافق اولیه سال ۲۰۱۶ است. و در طرف همچنین بر لزوم انجام فعالیت‌های ترویجی مشترک جهت شناساندن کردیدور چابهار و مقبولیت آن میان بازرگانان، شرکت‌های حمل‌ونقل و بخش لجستیک در منطقه گسترده‌تر توافق کرده‌اند. امضای توافق ۲۰۲۴ میان هند و ایران بلافاصله با واکنش مقامات ایالات متحده مواجه شد. ودانت ناتل، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، تأکید کرد که هر نهادی که قصد ورود به معاملات تجاری با ایران را دارد، باید از خطرات بالقوه و احتمال تحریم‌های مرتبط آگاه باشد. در مقابل، سولوموناریام جایشانکار، وزیر امور خارجه هند، اعلام کرد که دهلی نو مزایای این توافق را به ایالات متحده توضیح خواهد داد و کشورهای دیگر نیز خواهد خواست که این موضوع را از دیدگاهی محدود ارزیابی نکنند.

منبع:ایراس

